

This object has been digitised and made available by The University of Manchester Library.

For further information and details about terms of use, see the Library's website -

<http://www.library.manchester.ac.uk/search-resources/manchester-digital-collections/digitisation-services/copyright-and-licensing>

قابل توجه کاربران مجازی :

این سند توسط کتابخانه دانشگاه منچستر دیجیتال سازی و عرضه شده.

برای اطلاع بیشتر درباره شرایط استفاده از این منبع الکترونیک, لطفاً به لینک زیر مراجعه فرمایید:

<http://www.library.manchester.ac.uk/search-resources/manchester-digital-collections/digitisation-services/copyright-and-licensing>

بر اساس این مقررات, هر نو استفاده از این سند باید با ارجاع مناسبی به کتابخانه دانشگاه منچستر انجام بگیرد.

اخبار

بها از صفا ۱

پس از نطق قبل از دستور هانطور که در شماره پیشین اطلاع داده بودیم طرح نرکسیون نهضت ملی در مورد گزارش هیئت هشت نفری در دستور قرار گرفت و فوراً آن طرح قد حاضر برزاده جنون مخالف آقای سریمان ستون موافق بیان صحبت کردند ولی هنگام اخذ رای بودیت اول اقلیت جلسه را ترک کرد و بیعت عدم حصول اکثریت برای اخذ رای جلسه بنون تنس تعطیل شد.

دیروز یکی از نمایندگان اقلیت بفرنگارما اظهار داشت ما همچنان تصمصیم داریم با دستور کسیون ادامه بدهیم و از گرفتن رای باین طرح صامت بمل آوردیم خبر نگار ما رسید آیا این دستور کسیون برای ایستت که طرح بتصویب برسد یا نظر دیگر دومیان است.

دی باسخ داد اگر چنانچه مرا کسیون نهضت ملی نظریات مارا رهایت کندو لسنی از نظریات مارا بنون تبصره باین طرح اضافه کند منظوره تامین است بدین ترتیب منظور از دستور کسیون و ادار کردن اکثریت است باینکه نظریات مارا قبول کنند.

در پاسخ این سؤال که آیا از ابتدای جلسه آینده حاضر نخواهید شد نامبرده اظهار داشت ممکن است در ابتدای جلسه برای استفاده از نطق قبل از دستور حاضر هوم ولی در موقع ورود در دستور جلسه راترک کنیم.

نظر فرا کسیون نهضت ملی

یکی از نمایندگان فرا کسیون نهضت ملی در این زمینه اظهار نمود اقلیت از این امال هیچگونه نتیجه منینی نخواهد گرفت.

دیروز آنها خوب میدانند که اعضای فرا کسیون نهضت ملی بیچوجه با پیشنهادات خلاف قانون آنها موافقت نکرده زیرا نظریات آنها یکی سلب اختیارات است در حالیکه اختیارات را اکثریت مجلس به آقای دکتر مصدق داده است و لزومی نبینند که از تصمصیم خود عدول نمایند.

مخصوصاً اینکه سلب اختیارات بتزلسه سلب اعتماد از آقای دکتر مصدق نالی میشود. پس ملاحظه می کنید که فرا کسیون نهضت ملی و اکثریت مجلس بی توانه با پیشنهادی که مآلاً متضمن سلب اعتماد و سقوط دولت است موافقت کنند مگر دیگر اقلیت تبیین مامورین انتظامی از طرف مجلس است که آنهم دخالت فرقه مکنه در فوه مجریه است و حتی بنظر من از نظر اول شاکر است و هیچیک از نمایندگان غیر از فرا کسیون آزادی احسنی کسانیکه در صنف مخالفین دولت فراد دارند با این نظر موافق نیستند.

تکلیف طرح فرا کسیون نهضت ملی چه خواهد شد

در مورد اینکه با وجود دستور کسیون اقلیت چه پیش خواهد آمد و تکلیف طرح فرا کسیون نهضت ملی بچقا خواهد انجامید وی گفت اکنون نسبت بطوریت اول طرح اعلام رای شده است و مجلس جز رسیدگی و تکلیف تبیین طرح مریور بکار دیگری نمیتواند رسیدگی کند بسخ تشکیل مجلس و ورود در دستور باید بطوریت اول رای گرفته شود و بلافاصله فوریت دوم مطرح خواهد شد و سپس فوریت سوم و بعد پیشنهادات.

با در نظر گرفتن این موضوع که دولت احتیاجی بجلسا ندارد و طبق قانون اختیارات عمل میکنند لذا این مجلس است که باید برای تشکیل جلسات خود حرارت بخرج دهد. مادومین اینکه بتشکیل جلسات مجلس نهایت حلافتی داریم ولی برای تشکیل آنهم به یافالین چیزی دستی نیدهیم و صله هم بخرج نخواهیم داد مجلس هر وقت تشکیل خود ناچار است تکلیف طرح فرا کسیون را تبیین کند.

پیشنهاد خارج شدن طرح از دستور

دیروز در مجلس کشته چون اقلیت راهی جز حرکت درجه نداد و نتیجه ای از دستور کسیون خود نخواهد گرفت ناچار است در جلسه حرکت کند ولی هنوز معلوم نیست در جلسه روز یکشنبه حرکت خواهد کرد یا خیر! بهر حال اگر کم در جلسه یکشنبه حرکت نکند ناچار است در جلسات بعد حرکت نماید منتهی بعضی طیفه داشتند یکی از پیشنهاداتی که اقلیت خواهد داد اینست که طرح فرا کسیون از دستور خارج شود و بهی است این پیشنهاد تصویب نخواهد گردید.

پرونده قتل اشراطوس ب مجلس هرود

دشپ عمده ای از نمایندگان که ضویت کیسیون دادگستری را هم دارند در مجلس بطور خصوصی راجع پرونده قتل اشراطوس و سلب مصویت از دکتر فای مکاره شده. نمایندگان ضوک کیسیون دادگستری عموماً عقیده داشتند که باید هر چه زودتر پرونده قتل اشراطوس برای مطالعه اعضای کیسیون مجلس آورده شود و کیسیون دادگستری تکلیف دکتر فای را سلوم کند زیرا پرونده ای که با این جدیت مراحل خود را طی کرد معطل کردن آن در مجلس بیحیثیت مجلس لطمه خواهد زد و مجلس باید در امر وقت بان رسیدگی نماید.

در جلسه کیسیون دادگستری اعضای کیسیون پیشنهاد خواهند کرد که پرونده خواسته خود در همین هفت کیسیون دادگستری جلسات خود را مرتباً تشکیل داده و پرونده را تحت مطالعه قرار دهد.

گفته میشود چون از ادراک پرونده در نوبت تبیه شده و از دستهای متمدد آن حکم برداری شده است در صورتیکه در این رابطه پرونده در مجلس است تحقیقاتی لازم خود ارسال پرونده بجلسا هیچگونه مانعی نخواهد داشت.

بهر حال گمان میرود در این هفت اظرف کیسیون دادگستری تقاضا خواهد کرد که پرونده قتل اشراطوس بجلسا بیاید.

دو کشتی حامل شکر وارد ایران میشود

یک مقام مسئول وزارت دارائی اظهار داشت بر اثر اقداماتی که در سال گذشته بعمل آمد مقداری از کشتیهای جنوبی امریکا وارد پای خریداری گردید. بر اساس اطلاع دو کشتی در ظرف همین چند روز به بندر جنوب وارد خواهند شد.

یکی از این دو کشتی حامل ۱۶۶۰ تن شکر سفید است و دیگری حامل ۱۰ هزار تن شکر شام است که میبایست در کارخانه ورامین به شکر قابل مصرف تبدیل گردد. با درود باین کشتیها مشکلاتی که فعلاً در توزیع تنده و شکر وجود آمده است راجع خواهد شد.

شرکت سوپر تاکنون ۳۰۰ هزار دلار بابت نفت حمل شده در پرتو داخه است نماینده کمیانی سوپر تایه نمود که سه نفتکش میریلو آلپا و پرزا بزودی وارد آبهای ایران میشوند نماینده مزبور گفت تاکنون بابت بهای مواد نفتی حمل شده سیمده هزار دلار نقد در ۶ نوبت تحویل مقامات حرکت ملی نقد در تهران شده است و نسبت به پرداخت بقیه قیمت مواد نفتی چون دولت ایران در نظر دارد ماشین آلات صنعتی و کشاورزی تحویل بگیرد لذا منتظر هستیم تا صورت احتیاجات مزبور تهیه و بکار نیجات ایالتی سفارش داده شود تا بابت آن از محل طلب حرکت ملی نقد از کمیانی سوپر بکار نیجات دولت استفاده دولت ایران پرداخت شود.

موجودی کل حسابهای پس انداز در بانک ملی

در موجودی کل حسابهای پس انداز در پایان فروردین ماه ۱۳۳۲ بالغ بر ۸۹۳۵۸۹۳۵ ریال بوده و این بیکر نسبت بجمع کسل موجودیهای پس انداز در آخر اسفندماه ۱۳۳۱ مبلغ ۷۹۹۰۷۷۰۰ ریال افزایش حاصل نموده و نسبت بمانده پایان فروردین ماه ۱۳۳۱ که ۶۰۹۹۹۰۰ ریال افزایش حاصل کرده مبلغ ۳۲۷۸۰۰۹۰۹۹۳۰ ریال فزونی نشان میدهد.

یک خبر دیگر از کمیته های خیابان ایران (عین الدوله) طرفدار نهضت ملی ایران هیئت اجراییه موقت این کمیته پس از تدوین اساسنامه و تصویب سادسانه

ابداع کننده ترم ملی کردن صنعت

نیروی سوم

کنار نبود اینجانب در کوه انزلی خود غیر از روزنامه های شبیری مصر کمتر روزنامه هارا می دیدم ولی شاهد را بیشتر از همه طالب بودم و می خوانتم و مبارزاتی را که جبهه ملی آغاز کرده بود با علاقتندی وافر متقیب میکردم. بوجود آمدن جبهه ملی و موفقیت آن جبهه در انتخابات یکی از مواردی بود که مصادف با تحول فکری حقیق اینجانب و موید آن بود زیرا در ضمن یک آزمایش تاریخی مربوط به معیض زندگی ملی خود میدیدم که مستقل و حتی ملی رغب هیئت حاکمه و حزب توده و مستقل و حتی ملی رغب دو قطب جهانی مربوط به هیئت حاکمه و حزب توده نهضت در ایران در شرف وقوع است.

اینجانب بطور بی حس میگردم که مستقل از امپریالیسم غربی و ملی رغب و مبارزه برای اقت شروع شده و ملی رغب بی اهنتمالی و منفی بانی و حتی کارشکنی حزب توده این مبارزه بوجود آمده و در داخل مردم طرفدارانی پیدا کرده و انتقابانی که استیفاء حقوق ملی از نلت شمار آن بود با پیروزی خاتمه یافت.

با وجود اینکه من در آنروزها هنوز نسبت باصول لنینیسم وفادار بودم شک و تردیدهایی مرا وانی دوباره سیستم شوروی و قرضه های اجتماعی مربوط به آن پیدا کرده بودم. ولی در ضمن مشاهده این نمود اجتماعی که در ایران در داخل مردم ساده و توسط جریانی مستقل از ستاد زحمتکش جهان بوجود آمده است که مورد اتکار تکنیک و مخر کارشکنی حزب توده حامل همان ستاد زحمتکش است با این واقیعت ایمان آوردم که مستقل از ادوارد کاه و کاپیتالیسم و سوسیالیسم جهانی جریانی امکان پذیر است با این حقیقت من از راه مطالعه تئوریک نرسیدم بلکه شخصاً آنرا مشاهده و حس و لمس کردم و بعد فکرم که بکنار سوسیالیسم مرف است که از این جریان توده ای مستقل که ناشی از ملت و ارضی است استفاده کند و خود را با آن ترکیب کند. در آنروزها من تنها فعالیت سیاسی منینی که داشتم مبارز بودم و همکاری قلمی با یک روزنامه هفتگی که نمایت سیاسی منینی که داشتم مبارز بودم و همکاری قلمی با یک روزنامه بانویسنده گان و اداره کنندگان آن روزنامه داشتم ولی توده ایها بزبان آن روزنامه همکاری داشتند و همواره سعی می کردند که از همکاری من جلو گیری کنند ولی بنسب مقاومت اداره کنندگان روزنامه شرکت جدیدی در تحریر آن روزنامه ادامه داشت.

در آنروزها اینجانب و روزنامه های توده ای را مرتب نیخواندم ولی گاهگاهی با علاقه زیاد مراجعه کرده و قضاوتهای آنها را در باره جبهه ملی و استیفاء حقوق ملی از نلت مورد توجه و دقت قرار میدادم در آنروزها جراند توده ای لنینیستند انکار کنند که نهضت برای استیفاء حقوق ملی وسیله جبهه ملی بوجود آمده است. ولی ایراد میکردند که جبهه ملی نقشه و برنامه ای برای این نهضت ندارد و بهین مناسبت نمیتواند مشاه اثری باشد این ایراد اخیر آنها که جبهه ملی را فاقد برنامه و نقشه دانست و نمیدید است بنظر اینجانب انتقاد صحیحی بود ولی نداشتن برنامه دقیق دلیل بودن یک نهضت و یک نیروی بود که هدفش لااقل در عنوان کلی آن مشخص بود. وظیفه یک سوسیالیست در این مورد این بود که با این نیرو و نهضت تماس پیدا کند بان شکل بدهد و برنامه و نقشه ای تهیه کند. اینجانب نه تنها از نزدیک وظیفه خود را اینطور تشخیص میدادم که باید یک برنامه و نقشه برای این نهضت بوجود آورد و نیروهای بی شکل را متشکل ساخت.

در آنروزها مایکل فوت یکی از نمایندگان حزب کمونر انگلستان در ایران بود مقاله ای در باره سیاست انگلستان و ایران نوشته بود. من مقاله ای در جواب او بطور تسخر آمیز ولی محترمانه نوشتم که در روزنامه هفتگی که با آن همکاری میکردم درج شود و در ضمن نوشتن این مقاله بیاد جریاناتی اقدام که در سائرت بلنن پیش آمده بود.

در لندن آقای کوکهارت از طرف وزارت اطلاعات سپهاند روزنامه نویسان ایرانی بود و بعد هماریس بیانات حرکت سابق نقد شد. مهسانار، خود را عضو حزب کارگران انگلیس معرفی میکرد و مخصوصاً در موقص صحبت با اینجانب خود را خیلی مفضل نشان میداد که برای من نامی مشخص در این موقص ملاحظه نمودم پیش می رود روزی من با ایشان گفتم که آقای کوکهارت اگر ملت ایران ما مانند حزب کارگرها بخواهد صنایع نفت را ملی کند در اینصورت این مربوط بکدام ملت خواهد بود بنسب ملت انگلیس و با نطق من این آقای کوکهارت در موضع بندی گیر کرده بود پس از سکوت و تامل نسبتاً زیاد متوجه اینک که راه حل سوسیالیستی پیدا کرده با کمال خوددالی گفت بقیه من اصاف شما نصف مارت در همان پیشنهاد سفارتخانه استوسک و کاملاً موافق با رفتار قبول توده ایها «بزرگوارانه» شوروی را کشور هائی که حرکت های معتدل اساس رابطه اقتصادی آنها با شوروی است.

باری من در آن وقت آقای کوکهارت و این سیاست سوسیالیستی او را تسخر کردم. در ضمن نوشتن مقاله نامبرده من برنامه خود را برای پیشنهاد به جبهه ملی پیدا کرده بودم و مصمم شدم که این پیشنهاد را در دنباله مقاله مذکور در همان روزنامه هفتگی بنویسم ولی مانعی پیش آمده که این پیشنهاد در آن روزنامه هفتگی درج نشد زیرا مقاله اولی من درج نشد و بعد ارتباط من بکلی با آن روزنامه قطع گردید.

یعنی توده ایها موفق شده بودند که رابطه مرا با آن روزنامه قطع کنند (ولی بعد از مدتی که من با شاهه همکاری کردم چنانکه شرح خواهم داد نویسنده گان آن روزنامه با من تماس گرفتند و مقالات بر خورد مقاله و آراء من و سایر مذاکرات شفاهی آنها را روشن کرد و بکلی با توده ایها قطع رابطه کردند) ولی موضوع برنامه ملی کردن نفت موضوعی بود که بتوان از آن صرف نظر کرد خننا باید یادآوری کنم که منظور من این نیست که آیا دیگران در آن موقص این برنامه را داشته یانه بعدها در این مورد بحث خواهم کردم باین فکر اقدام حالاً که رابطه با این روزنامه قطع شده و دیگر هیچ گونه نمایت اجتماعی ندارم همان فکر نزدیک شدن بیجبهه ملی و روزنامه شاهدرا علی سالم در شماره آینده از این موضوع و از اولین برخورد با آقای دکتر بقای در دوره مبارزه برای نفت بحث خواهم کرد.

نفل از روزنامه زنان پیشرو

با اتو همدان همه روزه به همدان مسافرت نمائید

آن در جلسه عمومی کمیته مستعدی شناخته شد و بلافاصله طبق اساسنامه مزبور اقدام با انتخاب هیئت اجراییه دائمی بعمل آمد و در نتیجه آقایان غلامعلی رکیار - حاج صدرمادی - حاج محمود مایان - احمدعلی رحمانی - فروتن - رازقی - جهانی - ملی اکبر فتی - کریم شهسوار از طبقات مختلف و دانشجویان انتخاب گردیدند و این هیئت با نمایندگی سابعه خود موقت بطلب اعتماد کلیه اهالی میهن پرست و شرافتمند عمل گردید و استقلال بی سابقه اهالی خود موید این نظریه است و یکی از اهالی (آقای بزنگ) ساکن کوه روحی حاضر شده و اندکی با منزل شخصی خود راجعت اختصاصی بعمل کمیته در اختیار هیئت اجراییه بگذارند.

نیروی سوم - ماموقیت اهالی میهن پرست خیابان ایران را در مبارزه مقدسی ملی خواهیم. بخش و قرائت اعلامیه ضد ملی در دبیرستان جم قلهک روز یکشنبه ساعت ۹ صبح آقای ملی آذری دبیر کمیته هیئت دسته ای اعلامیه ضد ملی بدبیرستان آورده و بین دانش آموزان توزیع میکند و دستور میدهد که یکی از آن اعلامیه ها با صدای بلند برای دانش آموزان قرائت شود. نکته قابل تاسف این است که آقای سیادتی رئیس دبیرستان در این جریان کاملاً بیطرف بوده و این صل دبیر نامبرده را در مخالف مقررات تشخیص ندادند تا وزارت فرهنگ چه بگوید ۱۱

اخبار کارگری و دهقانی

بقیه از صفا ۱

بدر تازه مهاده ۷ اوردان نهیدی میباشد که بکلی این کارگران را از هستی ساقط خواهد کرد. ما کارگران با توجه باین نکات از دولت ملی جناب آقای دکتر مصدق بخواهیم که هر چه زود تر دستور فرمایند بانکه ساختمانی و یا صندوق متساوی نیمه اجتمایی پس از ساختمان زمینهای اهدائی با اقساط طویل البدت از حقوق کارگران که حداکثر بیش از ۴۰۰ ریال نباشد کسر و به سازندگان ساختمان تحویل نمایند.

یک هفته برادرا نه

بقیه از صفا ۱ عصبانی میشوند و باین میکنند که صدق نوکر آمریکا و ساواشکار است. اما در عدل و با عدلیتی که نماینده بازرگانی لهستان کرد و توضیح داد که خرید نفت برای آسودت ما مقدور نیست روی نویسنده گان صلح دوست سیاه شد و ملت قهرمان که این آزاد بخوانان با شایبای و تقلب حتی واضحات و بدبختی را هم برای خدمت به ارباب قلب می نمایند.

اما حالا ما به ملت ایران مزده مسی دهیم دولت شوروی بجای خرید نفت ما و بالا ازل بجای استرداد طلاهای ما و یا بجای تومسه بازرگانی و کسبهای سوسیالیستی کسب جدیدی برای کسب تسلط ایران و پیروزی در راه مبارزه با انگلستان کرده است. در این موقصی که زبان نفت مارا می خورد و مصادره اقتصادی امپریالیسم انگلستان شکست میشود و به ملت اجازه می دهد که با استفاده از منابع اقتصادی خود بدون احتیاج به کمک آمریکا و شوروی، بکوشش های سازنده خود برای زندگی آزاد و برای بهبود زندگی طبقه کارگر دهقان ادامه بدهد.

قابل توجه وزارت کار

کارگران اتوبوسرانی اتو غرب خط ۱۵ اعضاء سندیکای کارگران اتو غرب طی نامه ای بنویسنده که از بدو تا میس سندیکای منعی بعضی از اعضاء هیئت مدیره بجای طرفداران از منابع کارگران خود را در خدمت کارفرمایان قرار داده اند. در باره بر علیه حق شکایت آنان وزارت کار شکایت شده و آنروز تخاصم تبیین اظهارات راجع قانونی اعضاء سندیکای اعلام کرده است.

هوشنگ مهدین بود که بدون اطلاع نماینده خطی کارگران و اعضاء خود را به سرپرستی سندیکای تحویل کرده و مورد پشتیبانی کارفرما میباشد در برابر تقاضای قانونی و حق کارگران با ایجاد وحشت و تهدید و فشار آقای ابراهیم حوری که نماینده واقعی کارگران است مجبور به استعفاء شده است. کارگران از مقامات مربوطه میخواهند که دست این پلیس اخلاک را از سر آنان کوتاه نمایند.

از طرف کارگران خط ۱۵ خیابان خلیلی - اسماعله گوردی - پرویز خلیلی - محمد شمس - حسن سائیری و عده دیگر پیوسته سنگی دهقانان قریه قصبه شهریار بجزب ما جریده شرقی نیروی سوم خواهند است از امر بدرج فرمایند. اینجانبان رها با وزارت مستکشان تره قصبه شهریار چون تاکنون به هیچ حزب و نیروی متصل نبوده لایحه بنویسیده بودست خود را بمنزب زحمتکش نیروی سوم اعلام و پشتیبانی خود را نسبت بجنب آقای دکتر مصدق نسبت و زیسر محبوب ملی ایران ابراز داشته و حاضریم تا آخرین قطره خون خود را در راه استقلال و عظمت کشور باستانی ایران و مدفن تیاکان خود مرخص و از هیچ گونه فداکاری دریغ نخواهیم نمود.

از طرف ۵۰ نفر زحمتکش قریه قصبه شهریار - غلامرضا سلطانی و اکبر خدادادی بخواسته های کارگران تسلیحات توجه نمائید همانطوریکه در چندین پیش خبر آمده چهار صد هزار متر زمین جهت سکونت کارگران تسلیحات بوسیله رادبودر سراسر کشور پیش کر بدو کارگران نسبت داده اند حیات امیدوار کردید ولی متاسفانه تاکنون هیچ گونه ترتیب راضی بدان داده نشده و در عوض بیسای مینهای اهدائی تصمصیم گرفته شده از زمینهای نارمک توسط بانک ساختمانی از قرائت مری ۴۰ ریال کارگران فروخته شود در صورتیکه عموم کارگران تسلیحات فاقه هر گونه وسائل زندگی بوده و نمیتواند علاوه بر مخارج بومیه مبلغی هم بعنوان پرداخت قسط آنهم در مدت چهار سال و بعد هم برای ساختمان زمین تا مه در اردن گرفتار و ام باشند

استفاز باید آقا شمس اینجانب قربان شهرت کریم اسدی لک رانته خط ۶ خصوصاً کیم به اصطلاح مجاهد بیلت انصراف شمس تات آبادی از نهضت ملی و دولت با دکتر محمد مصدق استغفار خود را از آن مجمع تلابی اعلام و پشتیبانی خود را نسبت به کسر صدق و حزب زحمتکش ملت ایران نیروی سوم اعلام و تقاضای عضویت آن حزب را دادم زنده باد دکتر مصدق ملت با نیروی سوم هروری ملت با

خواهشمند است توجه فرمائید لباس از هر فرم که بخواهید در جنرال مدل لاله زار کوچه برلن تلفن ۳۳۹۹۳

استفعا از مجمع مسلمانان مجاهد

حزب زحمتکشان ملت ایران (نیروی سوم)
تاریخ نشان میدهد
روزی که نیروی لایزال ملت ما مثل
انتقام رابست گیرند سایر نیروها در مقابل
شکستهای نروزان آن تاب مقاومت نخواهند
داشت.

روزی که نیروی تودهها نشسته شود
آسروزی مظهر نیروی سوم یعنی نیروی
لایزال آنها کاملاً تجلی کرده و در آن
روز باشت های گره کرده آهنگ بر منزه های
فرسوده و منقطع قرون وسطایی میگویند تا
ملاحبان چنان مهزسا را به افراد قرون
وسطی مایح سازند.

از روزی که جناب آقای دکتر مصدق
برای مردم شکستن نشانی خاتمانه دولتهای
وقت در دیار متعصب شده بودند و همچنین
از مولویه در مجلس شورای ملی صدای
مظلومانه ملت ما را بگوش مردم جهان
میرسانیدند اینجا با یک عده ای از دوستان
هنگامی که امروز انتظار عضویت سازمان
مقدس نیروی سوم را داریم در شهر و
زادگاه اصلی خود مشغول فعالیت به انع
نهایت ملی بودیم و روزی که در مجلس
شان در هم چال اما می هار خوشتری ما بدستور
ارباب برای سقوط دولت مظهر اراده
مردم و متصرف نبودن نهضت ملی با اقبال
بی شرمانه خود با بوجود آوردن وقایع

۲۳ آذر و ۱۴ آذر و ۸ فروردین به شانه
های مردمیکه سالها از ضربات تازیانه
استفراغ خسته و کوفته شده بود بی رحمانه
تازیانه میزدند و در واقع با چنان اعمالی
میکنند شما ایدر یک ها و سدانها و فادر
ها و شالی ماورین غارتگرهای شرکت
غاصبانه بیاید، ملت ایران نمیتواند با
بودن ما منافع شما را بخطر اندازد از همان
موقع نفوس و دوستان که خطر را خیلی
هدید حس میکردیم فوراً در صدد برآمدیم
برای مقابله جدی با بیگانه پرستان رسوا
جهیتی تشکیل و مردم شهر خود را بیکاری
بیشتر دعوت کنیم لذا فوراً اقدام و نظریه
اینکه در آن موقع از ارباب جبهه ملی از
نظر مبارزات خود استمدادی ظاهر اهرم نیک
بود بدستگیری جمعیت خود را یکی از جنبیت
های ملی بنام مجاهد اسلام اعلام و اینجانب
مشغول موقت تشکیلات گردیدیم و اجلا

لازم میدانم معروض دارم که در تمام مدتیکه
باین عنوان مبارزه میکردیم مواد در مقابل
حوادث و پیش آمدها چون کوهی استوار
بوده و هیچگاه قاضیت خود را از دست
نمیدادم و متعاقباً اینکه در همان ایام چندین
حمله مرکب شرافتمندانه را من و دوستانم استقبال
می کردیم

مرکب شرافتمندانه چیزی نیست که
بشود آنرا اکثریهای خریدلنا برای من
چنین سنده انتقاری نصیب نبوده است
البته در تمام جریانات محسوس و مستول
هربری ما هرگز نبوده بلکه یک عده از
چوانانی که دارای روحی حساس و سری
پر شور بوده اند هدف و راه مبارزه را خود
تشخیص میدادند در اینجا باید با کمال
تأسف عرض نمایم که برخلاف انتظار
یک وقت متوجه شدیم که میوه اهنه بسا
الفاظی که در قالب خیانت ریخته شده
تحویل میشود ما را از هدف مبارزه
شرافتمندانه منحرف سازند

بدیهی است ما که مبارزه خود را با خطر
فرد شروع نکرده بلکه هدف و ایده آل
ما امتلائی نام ایران و کسب استقلال تاو
تمام اقتصادی و سیاسی بوده چون دیگر
امکان همکاری با مصلح مسلمانان
میباهدیم، قدر بود میبایستی فوراً قطع
رابطه بنامی البته همین کار را هم کردیم
و در تمام جریانات که (حاجی آقا) و یارانش
مصالحت میکردند ما همواره دولت و هدف
اورا تایید و پشتیبانی میکردیم و بکوری
چشم دشمنان و به کوری چشم آنها ای که می
گفتند مگر تاقیامت بایستی مصدق حکومت
کنند میگفتیم که:

دامن دوست بصد خون دل افتاد بدست
بفوسی که کند خشم رها نتوان کرد
انگور نظر پایتکه ندوی منته می
باشد که در طی تاریخ هر پنجاه و بی صد
سال فقط یک بار امکان خدمتگزاری و فدا
کاری برای ملت پیش میآید و در همین
یکبار است که افراد اجتناب باید از فرصت
استفاده نموده برای سعادت و خوشبختی
نسلهای آینده کوشش و فداکاری نمایند
و برای ملت سایر تصور نبرود غرضی
مناسب نروهم تر از اذمان حساس قلبی
دست بدهد

لذا این جانب برای ادامه مبارزه با
طریق اصولی با کمال انتظار تقاضای
عضویت سازمان مقدس نیروی سوم را می
نمایم و بحق و حقیقت بدهای پرکسرو کند

آذربایجان را از سر

بقیه از صفحه ۱
امیربالیسم انگلیس هنوز به توطئه های
خطرناکه مشغولند و هر روز در کوشه ای از
میمن ماصتته های خونی ترتیب میدهند
در مقابل این توطئه کران ملت خشکین
ما مشتای خود را گره کرده و بر پیکر
امیربالیسم محضرو لوکران بست و فرمایه
آن میگویند

ما جوانان محرومی نام نشان وطن
که در ملی کردن صحت نفت و در این جنبش
ملی سهم بسزایی داریم در امر ملی و مجازات
خیانتکاران و عاملین انگلیسی، نوکران
بیگانه پرست از هیچ کوشش فرو گزار
نخواهیم نمود

علی هر لندی یکی از کاسیست که
در مکتب استمداری انگلیس بزرگ شده
است

هر لندی شاگرد باولهای مکتب
چریکل است، او نشان مدال ایالت ۱۱
از روز ششم دارد، نشان ایالت ۱ وطن -
فروشی نشان ایالت بیگانه پرستی، او نه
تنها در مکتب استمداری انگلیس بزرگ شده است
بلکه با استمدار سرخ، با بزرگان شمال این
«رفیق ۱۱» است.

در آنروزها، در آنروزهایی که مردم
ستشکشی و استمدار زده میهن ما بر علیه شرکت
غارتگر سابق نفت بیچاره و بیکار برخاسته
بودند مرندی با سایر «هم مکتبی های»
خود به توطئه چینی و تحریک مشغول بود
بالاخره با شاره از باب کل ۱ به لندن فرا
خوانده شد و موقعی بر گشت که مبارزه
مردم تهران ما تریشیده و ضربات سخت
و مهلکی بر پیکر امیربالیسمها و انگلستان
وارد شده بود، مرندی از زمانی که از
انگلستان برگشت باز از پای نشسته، شب
روز در توطئه های خطرناکی که بدست
همالین سرسریه انگلیس عملی میشده و می
شود سهم بزرگی دارد، او از تهران با است
ریاست کل نفت آذربایجان به تبریز رفت،
در آنجا نیز ساکت نیست و هم اکنون با است
بتحریک و توطئه سرگرم است در این مدت
دو سال که وی در تبریز خدمت می کند تمام
تحریکات ضد ملی و اچمه دارد.

در ۳۰ تیر چاقو کشان مرندی مردم
آذربایجان را اذم چاقو می گذرانیدند و
بانهید و زور مردم را وادار به پشتیبانی
از حکومت قوام السلطنه می کردند
در آنروزهایی که ما فرزندان بی نام
و نشان وطن از شرکت غارتگر خارج
می بودیم ۱۸ جبهه اسلحه از خانه مرندی
کشف شد که سوابق امر در پرده مریوطه
می باشد.

با اینحال مرندی هنوز دست از
تحریکات برداشته و در آذربایجان تمام
تحریکات ضد ملی را پیاده دارد و برش
ملت محروم میکنند.

ما در شماره های آینده ابلاغات
دقیق تر و جالب تری را از فعالیت و عملیات
این عنصر خطرناک در روزنامه منتشر
نموده و از دولت ملی جناب آقای دکتر
مصدق جدا خواهانیم که بیشتر از این اجازه
فدالت بچنین منصری ندهد و نگذارند
شرکت نفتی که با فداکاری میلیونها مردم
زحمتکش ملی شده است دستهای حساس
چنین عناصری باز بمانند و توطئه بچینند و
خواستاریم که هر چه زودتر ایشان را از
آذربایجان فراخوانند. قبل از اینکه مردم
غیور آذربایجان ویرا با بزرگان از دروازه
شهر خارج نمایند.

برای اطلاع محترم کین محترم
چنانچه روزنامه هشتا بل از ساعت
وقت اداری صبح رسیده لطفاً به تلفن
۳۵۶۵۵ اطلاع فرمایید

همه جا بامیمن تور

مسافرت کنید
یاد میکنم که برای احتلائی میمن عزیز و
سعادت جامعه خود و بنی نوع بشر دوش به
دوش رفتای هم مسلک خود بی با فداکاری
نمایم.

زنده باد دکتر مصدق تبار هبر غل
نایدیر ملت ایران
موید و منصور باد استاد خردمند
خلیل ملکی
از ساری - فیدالمجید باقری

تسلیمت
پناهت تاسف شهادت جانگداز آقای
علی اکبر خلیلی را بدوست از جنه خود
آقای محمد خلیلی تسلیمت گفتم. بقاء ایشان
رزوا خواهیم
روسانی - بقای - حقیقت بیبهایی
مرتضوی - فروری

قابل توجه نمایندگان فروش و مصرف کنندگان چای سازمان برنامه

شرکت سهامی چای سازمان برنامه بدینوسیله برای اطلاع عموم اعلام
میدارد که از اول خردادماه ۱۳۳۲ صده پنج حق نمایندگی که سابقاً در باره نمایندگان
شهرستانها منظور میشد ملغی و انواع چای زرین بترار کیلومی ۱۲۰ ریال و درجه یک
۷۰ ریال محسوب و بپای آن قراردادهاست خواهد شد.
و قیمت جزئی فروشی در تمام کشور شرح زیر میباشد و بنابیش از این قیمت
پاروش برسانند.

انواع چای زرین هر قوطی پانصد گرمی ۶۶ ریال
« « « دوچه یک مرتبه پانصد گرمی ۳۸۵۰
بدیهی است که بپایه چای نمایندگان فروش از تهران بقصد راه حرکت سهامی
چای در برابر ارازه با برنامه و گواهی شهرداری مقصد پرداخت خواهد نمود.

شرکت سهامی چای سازمان برنامه
۱۳۷ - ۱

آگهی مناقصه

شرکت سهامی چای سازمان برنامه یک دستگاه زئرا توره ۵-۴-۳-۲-۱ و یک دستگاه
کلید روی تابلو مورد نیاز کارخانه های تابه خود را از طریق مناقصه خریداری مینماید
داوطلبان میتوانند برای اطلاع از شرایط و مشخصات تا آخر وقت اداری شنبه
۱۳۳۲ ر ۳۲ بدتر شرکت واقع در خیابان یوسف آباد کوچه امیری مراجعه نمایند.
شرکت سهامی چای سازمان برنامه
۱۳۶ - ۱

آگهی

آقای سبحان ملی جوادی لر زنده علی کارگر اداره سیلوساکن بخش ۶ دروازه
غارخیابان منزل سید میرزا با در تاریخ ۱۷-۱۱-۳۱ داخواستی بدادگاه شهرستان
تهران تقدیم رسیدگی آن شنبه ۱۸ ارجاع و یکسلاسه ۳۱-۸۳ نیت و خلاصه
بدین نحو توضیح داده است که برادر این جانب بنام آقای حکم ملی جوادی لر زنده ملی
در موقع دموکرات آذربایجان مفقود گردیده و از آن زمان الی حال اثری از آن او
پیدا نشده است اشتهااد محلی نیز بیوست دادخواست خود نموده و للاحسب درخواست
خواهان و دستور دادگاه و اجلازه ماده ۲۳-۱۰ قانون مدنی مراتب سه نوبت متوالی
هریک بفاصله یک ماه در روزنامه کشور شاهنشاهی و یکی دیگر از جراید کثیرالانتشار
آگهی میشود تا هر کس اطلاعی از آقای حکم ملی جوادی را دارد پس از انتشار
آگهی ظرف یکسال بدادگاه اعلام دارد و الا دادگاه اقدام مقتضی را بعمل میآورد.
مدیر داتر شنبه ۱۸ دادگاه شهرستان تهران یادگاری
۱۵ - ۲

خوردار نمبر باطله پستی

پنجاسال است تجارتخانه کاشانی میباشد امروز هم در تهران شرکت
سهامی تحریر ایران چهار راه لاله زار اسلامبول مراجعه یاد در شهرستانها بنشینندگان
ما مراجعه فرمایند
۱۴۰ - ۴ - ۱۰ شرکت سهامی تحریر ایران تلفن ۳۳۶۲۴ (شعاع)

به آقایان رضائی - علی محمد سعیدی ابلاغ میشود که فوراً برای استرداد قبض اشتراک دریایی به تعاون مطبوعات پیشرو مراجعه نمایند

به نمایندگان آن نیروی سوم در شهرستانها
به دنبال سه نفر نماینده کان مطبوعاتی بد حساب و کلاه بردار آقای ملکی در
اهواز آقای حسین اله بخش کارمند وزارت فرهنگ در شاهی آقای رسول ناظم
در شهرها
اینک سه نفر دیگر آقای شفیعی در کرمان و بلوچی در اراک و نوراله
خواجیان در بندر مشور را بدین وسیله معرفی نموده و اسامی سایرین را بترتیب دوج
و از طریق قانونی تمییم خواهیم نمود درج آگهی های مذکور تا حصول نتیجه محتمل
ادامه خواهد داشت.
۱۰۰ - ۵

اثر بزرگ لویننده فرانسوی
آندره ژید، برنده جایزه نوبل
بازگشت از شوروی
ترجمه جلال آل احمد
که گسستهای آن در نیروی سوم دوج شد
بزودی بصورت جداگانه با مقدمه و تصویری
از نویسنده منتشر خواهد شد
احتیاجات خود را به نگاه مطبوعاتی پیشرو اطلاع دهید.

روزنامه زنان پیشرو
بمسلسله مقالات بقلم خلیل ملکی درباره ابداع کننده تر
ملی شدن وقت چیست؟
همه هفته روزهای سخته منتشر میشود
۴-۲۰

در تاتر سعدی
دو نوا راپیس در سه پرده
آخرین برنامه زن امسال است که لفظ برای چند شب
دیگر ادامه خواهد داشت بنسبیت ماه رمضان شروع نمایش ساعت
۸:۵۵ بعد از ظهر و روزهای جمعه یک سانس شروع ساعت ۸:۵۵
بعد از ظهر خواهد بود.
۱۳۳۲ - ۴ - ۵

با همین نوردهمه روزه به کاشان مسافرت کنید
با اتومبیل قزوین همه روزه قزوین و زنجان

جدول
سو سیالیسم و کاپیتالسم دولتی
بقلم خلیل ملکی چاپ دوم
۲۰ خردا ان منتشر میشود

با ایران ییما مسافرت کنید
با بابل نوردهمه روزه به بابل مسافرت کنید

با اتو اقتصاد همه روزه به کرمانشاه مسافرت کنید
مسافرت بنام قاط ایران با جهان سیر
به بر و جرد و ملایر با اتو بر و جرد مسافرت کنید

نیروی سوم ایران - صاحب امتیاز اسلامپلازه
محل اداره خنباان سمنی کوچه پادامی
حزب زحمتکشان ملت ایران تلفن ۳۰۵۶۵۵
محل چاپ خنباان پیروزی ملت چاپخانه اختردهال
بهای اشتراک سالانه ۴۰۰ ریال ششماهه ۲۴۰ ریال
سه ماهه ۱۴۰ ریال مقالات و اوایع وارده مسترد نمیشود
تعاون مطبوعاتی پیشرو که بکلی جنبه فنی و
مطبوعاتی دارد مطابق قرارداد این روزنامه را چاپ
و منتشر می کند و تمام اموال روزنامه متعلق به نگاه
مزبور می باشد ولی در کار هیئت تحریریه و خطمشی آن
به هیچوجه دخالتی ندارد.

آگهی

به متهمین زیر که محل اقامت نامی آنها غیر معلوم است بدین وسیله احضار میشود که در تاریخ نشر آخرین آگهی در ظرف مدت سه ماه خود را بداتر دادگاه
جنه کرمان معرفی نمایند و الا به پرونده های مریوطه که بر علیه آنها تشکیل شده رسیدگی و محسب مقتضی اتخاذ خواهد شد چنانچه آگهی بندی احتیاج باشد یک نوبت دوج و دست آن
ده روز خواهد بود - ۳۲۲۲۲۰

شماره	پرونده	نام	پدر	شهرت	سن	محل اقامت	نوع بزه	ملاحظات
۱	۱۸۱-۵	عزت	محمد	شاگری	۲۹	شاه آباد مجهول	مداوت در شیرخانه	۳۲۲۲۲۰
۲	۱۹۸-۹۶	سید صادق	موسوی	عالم	مجهول	که پیش از این هویتش معلوم نیست	اجرای سینه دند	<<<
۳	۱۷۳-۲۲	رمضان	خلیل	سکوند	۴۵	کنگاور و کج کن مجهول	ایراد جرح	<<<
۴	۱۵۷-۲۲	علی اکبر	حسین	نوبخت	۴۰	بخش یک کوچه جابری کرمانشاه خرید اشیاء مسروقه	خیانت در امانت	<<<
۵	۱۹۸-۳۶	معصود	پیر مراد	مرادی	۴۰	کنگر بان مجهول	خیانت در امانت	<<<
۶	۱۸۸-۹۶	سید ابراهیم	ماندور	که پیش از این هویتش معلوم نیست	ایراد ضرب و جرح			<<<
۷	۱۸۶-۴۵	سید حسین	ملاحسن	کنجه ای	۷۰	اهل سوما رگیلان قرب منزل شهره خداداد میورا امرد		<<<
۸	۱۹۸-۲۳	بساط	منت	هله	۳۰	اهل کبر سره	کرمانشاه خط سرخ کوچه سید حشمت	<<<

خانه خرابه قطع درخت
مدیر دفتر دادگاه جنه کرمانشاه شوری

رهبران حزب سیاسی هستند

بقیه از صفحه ۱

نه تنها از روی آوردن، بلکه از اختراع ایده نوآوری تاریخ شده، با اختراع شمارهای جدید میروانند. مثلا روزنامه بانک «مردم» بجای سوی آینده، دو شماره دیروز شماره ۵۹ تحت عنوان «حزب سیاسی است پایلیس مغفاری» بنقل از روزنامه نیروی سوم چنین منویسند:

«دوستان عزیز، پاسپانها، کارآگاهان ملی (!) حق متینک، حق سخنرانی، حق آزادی و بالاخره حق زندگی را از اعضاء حزب توده ایران سلب کنید» اینست شعار «نیروی سوم»

البته افراد حزب توده که جلات مربوط در روزنامه از گانشان میخوانند هرگز ندانند در صحت آنها شک کنند، زیرا همین شک نیست که آنها را یک عامل امپریالیسم دوقطبه بار آورد؛ ولی افراد حزب ماکه روزنامه نیروی سوم را خوانده اند میدانند که در روزنامه نیروی سوم چنین جملاتی با این مفهوم دروغ آمیز و تحریک کننده، بوده و هرگز نیروی سوم چنین شماری نشده است و این لفظ کار نوابغ کبیر کینترسمیت است که با این روایت بعد از اختراع ایده نوآوری، با اختراع شمار پرداخته و بنام حزب برای افراد حزب شمار اختراع میکنند.

خبر «رفقا» اشتباه میفرماید! روزنامه «پرواز» را پاروز نامه نیروی سوم عوضی گرفته! این شعار از آن حزب «کمونیست» کشور شوراهاست که به «دوستان و پاسپانان و کارآگاهان» خطاب.

او، دستور میدهد که حق زندگی را هم از مردم سلب کنند زیرا در آنجا دیگر از «حق متینک، حق سخنرانی، حق آزادی» فقط مجسمه ای مانده است که گویا در موزه مسکو برای نمایش «کار آگاهان ملی» پشت شیشه قرار داده اند! وضعیت از اینگونه «آزادیه» در آن کشور، قدری حماقت لازم دارد.

ما هرگز در مورد افراد حزب «توده» ایران، که آنها را فرزندان کنگته ملت میدانیم، چنین شماری نکرده ایم، شمار مادر مورد این فرزندان کنگته ملت، همین کتابها و همین نشریات است، که هر روز با مناطق قاطعی، برای اجابت آنها از دستگاه ماشینی و خانن پرور حزب توده، کوشش میکنیم و روز بروز بر این کوشش خود مبارز ایم.

حرف ما در مورد رهبران و گردانندگان خانن حزب توده است، درباره کسانیکه ده سالست بنا به ملت ایران و طبقه کارگر ایران ضمانت کرده است. ما هرگز نیخواهیم که شا را بجرم داشتن مرام و عقیده تعقیب کنند، بزرگترین افتخار برای انسان امروز، داشتن مرام و عقیده، و شرکت در مبارزات اجتماعی است، ولی بدبختانه شا صاحب مرام و عقیده نیستید شا جاسوسی هستید که به اعتراف خودتان، «بدون قید و شرط» باید از یک مرکز منحرف که هیچ اشتراک منطقی با طبقه کارگر جهان ندارد، اطاعت کنید، و خیلی تنگ آور است که شما باین اطاعت بدون قید و شرط خودتان، اعتراف میکنید.

وقتی ملی جو امر کلام و جمال امامی بنقل انگلستان «بدون قید و شرط» جاسوسی میکنید و «بدون قید و شرط» از مسترد یک یا «فرانسوی شریک» فرمان میبرید، افلا در ظاهر این جاسوسی خودهارا انکار میکنید، ولی شا این جاسوسی و نوکری را ناش میگویند و رهبر نوکری صفت شما آشکارا در مسکو، باین بندگی بدون قید و شرط، اعتراف (!) میکنند، و در تعلق کومی برترین استالین، دست و پای نمیده سربان دوره سلجوقی را زیر بندند!

نوکری و جاسوسی بدون قید و شرط شما و علی جواهر کلامها تنها یک فرق دارد و آن در فرم ظاهر آنست، شما هم نوکران بدون قید و شرط هستید، آنها هم همینطور. منتها نوکری آنها فرم قرن اوزدهم است و جاسوسی شما مطابق مقتضیات قرن بیستم میباشد!

آری ما هرگز افراد حزب توده را مفسر نیشناسیم، بلکه شمارا کنهکار و تبهکار میدانیم، شما کنهکار و تبهکار هستید، شا در مقابل مردم ایران کنهکارید، شما کنهکاران طبقه کارگر ایران هستید، شما انانیت هستید؛ شما هیچان نویسان و شما پانک آوران دروغی مردم فائل هستید، بصدایه فائل کس؟، شما فائلین کارگران شدید خودستان هستید، که به دستور صریح حرکت سابق ملت و بوسیله برادران جاسوس لنگرانی، به دستور راه انداختید، و آنها را به نام پلیس آلت حرکت سابق ندید.

شمار حرکت لغت انگلیسی بهمان کارگران، و کارگران را شما بجایو تانگها، و تانگها را پلیس حرکت لغت بجایو کارگران را انداختید و راندند!

ما باین جرم شمارا قابل تعقیب میدانم که هتفه حرکت سابق لغت رامو بوج اجرا نمودید، حرکت سابق ۳ درصد حقوق کارگرانرا کسر کرد تا کارگرانرا در مرفهه قانون خلق بد میرفت از تورب میلسین بگذرد با مصحاب بکشند، و هائیز خانانه با استقبال این اعصاب لغتی خنابند و شما فائلین کارگرانی هستید که در این اعصاب بیوقع شیبید گردیدند.

شا خنابتهای بزرگی مرتب شده!؛ شا با طر فداری از نهضت تلاشی پیشه وری و فلام جیبی، عملا بنشامت ارضی ایران خیانت کردید و از تجربه آذربایجان آشکارا دفاع نمودید.

البته باز پرس مرتجع دادگتری ایران، با آن ماده از مرامنامه شما، که درباره صیالت «کاموت» ایرانت، استناد میکنند، ولی کوراست و با خود را بکوری میزند و نمی بیند و یا نمیخواهد به بیند که چگونه شما بوسیله غلام جیبی ها از کاموت ارضی ایران دفاع کردید! و چگونه حاضر بودید این استان زرخیز ایران را در سر و وقت شمال، از ایران جدا کنید!

ما مستقیم شما را به بجرم داشتن عقیده، بلکه باین جرم که از حضور نیروهای شوروی در ایران استفاده کردید و در کامیونهای ارتش سرخ پرشید و برای واکداری لغت شمال بشوروی رزه رفتید مجازات کنند، شا افراد ساده خود را فریب دادید و نهضت کارگری را برانرا، بجای هدایت در راه منافع طبقه کارگر در راه تحصیل امتیازات نامشروع و استعماری بنقل دولت شوروی تصدیف نمودید.

خیانتهای شما با سریدن تمام نیشو و مستقیم شمارا بجرم این خیانت های بی پایان باید مجازات کرد و از اینها گذشته از نظر ما بزرگترین جرم شما اینست که از یک مکتب علمی و اجتماعی سوره استفاده کرده اید و باین مکتب که مکتب زحمتکشان جهانست خیانت نموده اید بمرگشا خائنین بودید که ترملی خن منصف لغت دوسراسر کشور را ترمز امپریالیست های انگلیس و آمریکا خوانده و آنچه در قدرت داشتید باین

توضیح درباره کتاب آقای ناصر و ثوقی

کتابی که اخیرا از طرف آقای ناصر و ثوقی زیر عنوان «مسئله شوروی» منتشر شده بنشامت وجود چند اعلان مربوط به نشریات حزبی در پشت جلد باعث سوء تفاهمی شده مطالب این کتاب ارزش انتقاد جدی ندارد ولی کلیات آن از لحاظ حزبی صحیح نمیشد مثلا انقلاب اکتبر یک انقلاب بورژوا دموکراتیک نمیشد بلکه یک انقلاب سوسیالیستی زودرسی بود که در نتیجه رفیبری جا بسته و فهمیده لنین و حزب سوسیال دموکرات روسیه بوجود آمد همچنین اعتراضات رهبران شوروی آنطور که کتاب نامبرده می خواهد تلقی کند جزئی نبوده و قابل اجتناب بوده است عناصر خرده بورژوازی دهقانی که کتاب نامبرده مدعی است که بانی انقلاب است بوسیله پاینان انقلاب در حقیقت ریشه کن شد و از این رفت و اوگر در دفتر منتصب شوروی که دولت بود و کراسی شوروی را تشکیل میدهند یک عنصر ایدئولوژیک بورژوازی وجود دارد این از بقایا و رسومهای بورژوازی بزرگ در صنعتی است نه از بستی بورژوازی دهقانی در هر حال مطالب مذکور در آن کتاب نظریه حزبی بوده و از لحاظ تئوریک ارزشی ندارد و چون باقانون اخیر دادگتری مشهوریت ایشان در حزب منتفی است لزومی برای توضیح و بالاعتقاد بیشتر باقی نمینماید.

مطلب بزرگ و تاریخی ملت ایران، مبارزه کردید و واقعت در برابر این واقعت آشکار تر از انقب ناچار به تسلیم شدید و نقش تحریب خودتان را تغییر دادید.

شما مظهر مبارزه ضد استعماری ملت ایران و دگر منصف را بگروز بجرم اینکه از امپریالیسم ملی شدن صنعت لغت را مدافعه میکنید هامل امپریالیسم خواندید و روز دیگر بنام اینکه او با امپریالیسم آمریکا و انگلیس بر علیه تزهلی شدن صنعت لغت سازش میکنید تخطئه کردید.

دو سال تمام با نفس و با آفرین حوادث خویتن با او مبارزه کردید و واقعت در مقابل این واقعت روشن تر از آن کتاب نیز ناچار تسلیم شدید و اینبار چاره ای نداشتید برای اینکه از غنود مجازات و غضب ملت در امان باشید با تیغ ائتلاف بچنگ او بشتابید.

شما باید بجرم این خیانت بزرگ نهضت ملی ایران مجدذات شوید و بجای اینکه حق روزنامه نگاری و لغت برای داشته باشید طعم انتقام ملت را در کامتان بچشید!

شما قدم بقدم بر فرمان کینترم و به نفع دولت شوروی قدم بر میدارید، و یک همه از با ارزشترین فرزندان ملت ایران را در این راه اسیر فکری خود نموده اید و اینحال آیا این حزب شماست که پلیس «ک.ب.ا.» شده است و یا حزب ما پلیس مختاری؟

این حزب متفضح شماست که بدون قید و شرط ارمان میبرد یا حزب دلیر ماکه با دو بلوک امپریالیستی جهانی میبندد!

شمارا دستگه عادلانه ایران که همان ساخته و پرداخته پلیس مختاری است تیره میکنند ولی چطور میشود که ما پلیس مختاری میشویم ولی شما نیشوید همان دستگه که در زمان پلیس مختاری ۵۳ تن را بجرم داشتن عقیده متهم بچس کرد، همین دستگه امروز انگار خیانتهای شما، شمارا تیره میکنند و تمام لکه های نا پاک را از فلام جیبی گرفته تا سکتور سرایی و رضا روستا، از دامن شما میشود و خیانتهای شمارا خدمت میخواند!

بانه «مردم» از این ناراضی است که ما چرا این خیانتها را بر سر نه ایم، و چرا استخاق با نموده ایم.

بانک «مردم» از این ناراضی است که ما چرا دزدیهای راهبران توده ایرا در ادارات فاش میکنیم و به آنها حمله می نمایم این روزنامه که اینک رسما بنام «روزنامه مردمی» اوگان حزب توده است منویسند.

ما هر چند بیکار حلات بیانی بیکی از موسسات دولتی، راه آهن برداری پیس با ذکر کمائی که تا بملات تکون سیاسی آقایان را بر آورده نیشو در صناعات نیروی سوم دیده میشود...

این بانک «مردم» نیست که این چنین از طبقه فاسد حاکمه ایران دفاع می کند این بانک دزدان و فاسدان ادارات است که در عازت مردم محروم ایران سابقه گذاشته اند و در این مسابقه گردانندگان دزد توده ای غوی سبقت را از همه بر بوده اند.

ما انتخار میکنیم که باین کانونهای فساد از پیس ناموسات دیگر حمله نمینماییم، و غارتگران را بجرم سرقتی میکنیم. باین شرکت پیس که ماسدنگار رهبری فاسد آذربایا حلات بی دردی بزند و آوردمی کانون فساد بزرگی باشد و چون هم شا و خند استمارها و هم جمال امامی با دود آینه غارتگری میکردید. بجرم نامور م. دلیر

روزنامه ضد استعمار شما، با همکاری مستقیم عمال جمال امامی از صندوقی شرکت بیمه، چاقو کشارا اجیر کرد و روز ۲۴ تیر، در آن حوادث خویتن نقش موثری بعهده آنها واگذار نمود.

شیکه حقیقی حزب توده، همین حرکت بیمه و موسسات نظیر آنست. تمام موسسات دولتی، همین ترتیب، کانونهای فاسدی برای عناصر فاسد توده ای - ارتجاعی گردیده است.

صندوقهای ادارات دولتی در معرض تاراج این دزدان ضد استعمار میباشند، دزدی در بانک دماوند، جزئی ترین دزدیهای این دزدان ضد استعمار میباشند، دزدان ضد استعمار، امروز از دزدان دیگر بیشتر اند. حتی دزدان ضد استعمار، از اصل چهار ترمون نیز بگذشته اند؛ و اکثریت اعضای اصل چهار، توده ای میباشند.

ما این ساقین را تکرار خواهیم کرد. در کوشوزیکه متعلق بسامت، متعلق بجرم محروم ماست، شا جاسوسان بدون قید و شرط نباید حق داشته باشند که ای نقد در دزدی و خیانت افسار کینتیه باشند، کلمات و جملات و ماسک صلح و ضد استعماری به پیچوجه این فساد توجیه نخواهد کرد، شما در حالی خیانت میکنید که مبارزان حقیقی ضد استعمار، در سنگین ترین شرایط مبارزه میکنند، شما در حالی دزدی میکنید که مبارزان حقیقی ضد استعمار، در این دستگه حتی برای یک بخور و نیر جامی ندارند.

شرکت بیمه، بنگاه راه آهن و سایر موسسات دولتی زمانی در معرض تاراج شماست که دکترها و مهندسیین و تحصیل کرده های حزب ما همه بیکار هستند و در سنگین ترین شرایط زندگی میکنند، آنها مجبورند بیکار و سرگردان بمانند و پایلو بفر و شند ولی دزدان ضد استعمار میتوانند صندوقهای دولتی را که با آن دولت مبارزه میکنند، غارت نمایند.

شما میگویند این دولت متعلق بسامت! شما میگویند ما پلیس مختاری هستیم و گویا بکی اسمانی پلیس بودن همین محرومیت های افراد ما و غارتگریهای دزدان ضد استعمار! میباید.

ما با غارتگران مبارزه خواهیم کرد، شمارا و خیانتهای شمارا بمرامه خواهیم نمود، شما ناچارید در برابر حقایق زنده و متوسل بدورغ بشوید، شما از جمل و دروغ کینترم و سیاندارید، ولی امروز شما از سنگ های قروین باشد بالاخره پتک زحمتکشان ملت ایران از پولاد آبدیده است. اینجا کشور کاوه آهنگر است، و ضحاکان سفالترا در این سرزمین جانن.

نست. ما اولاد کاوه هستیم و رسم مبارزه را از کاوه های قرون و اعصار، فرا گرفته ایم.

مبارزه ما ادامه دارد و مسلما در این مبارزه پیروزی با ما خواهد بود زیرا تاریخ با ما است.

حزب توده هفتی

بقیه از صفحه ۱

حزب توده را انجام دهنده از این جهت بود که این حزب «قطع بانضت ملی دشمنی داشت بلکه از جهت ائتلاف اتفاقی است که حزب توده در مراحل خطرناک نهضت در نقشهای مختلف و رنگارنگ با استعمار انگلیس علیه نهضت داشته است.

نه تنها دایران بلکه در مقامس بین المللی هم احزاب کینترسمیت بنشامت دشمنی علیه نهضت های ملی و سوسیالیستی مستقل از مسکو خود نمائی میکنند.

ولی این بکطرف معادله است. در طرف دیگر معادله می بینیم که نهضت های ملی و سوسیالیستی مستقل از مسکو بزرگ ترین و همه ترین خطر برای سوسیالیسم نوع روسی می باشند که تبدیل به ناسیونالیسم بورژوازی شده است.

بقیه مسکوسر بیچی نهضت های ملی از اطاعت بدون قید و شرط «و بدون چون و چرا» از مسکو گناهی غیر قابل عفو است.

وقتی این احزاب و نهضت ها در قاموس کینترسم ملی و سوسیالیست اعلام می شوند که در مصراع مسکو بچسده در آید.

بدین ترتیب ما را کیمیم بصورت «شریت جامدی» در آورده شده که نتیجه تحریف و دستبرد مستقیم در نظریات مارکس است و برای سوسیالیتهای واقعی و مارکسیست های مومن بی سابقه می باشد.

بازی خطر نهضت های ملی برای مسکو بقدری هولناک است که آنها در ایران و مصر و روسلاوی و ... در تمام جهان هر جا که آتش مبارزات ملل معروم و ملی رقم قدرتمای تومه طلب جهانی و مستقل از آنها افروخته شود آن نهضت ها تخطئه می کنند و اگر تسلیم بدون قید و شرط آن نهضت ها صافی نشد.

کاری می کنند که تسلیم بدون قید و شرط امپریالیستهای دیگر شود.

در تعقیب همین طرز تفکر جامد و استیلاجویانه است که حزب توده آلت بلا اذنه شوروی که خاصیت «ویژه» ائتلافی و چپ بودن رادر اطاعت از مسکو میدانند نهضت ملی ایران مارک امپریالیستی زده و دوطول جنبش ضد استعماری و بخصوص در ادوار بحرانی از هیچگونه «کار خنک» و تعصب خودداری نکرده است.

نیخود نیست که پس از حرکت در آمنت امواج نهضت ملی حزب توده بطورزی غیرعادی بر پوبال میگرد و جمعیست ها و زوانه وابست آن بسطری غیر قابل انتظار خود نمائی میکنند.

چون حزب توده در هر حال برای هیئت حاکمه انگلیسی قابل تحمل است در حالیکه نهضت ملی برای او قابل تحمل نیست.

همچنانکه در مقیاس مسکو انگلستان و باینج دولت بزرگ برای صلح و مصالحه قابل تائب تر از دولتهای ملی و ملت ها میباشد و بهتر میتوان با آنها کنار آمد.

بازی سیاستی که حزب توده رادر عهد ساعد بریزمین ها کشاند. دودر زمان رزم آرا رهبران آن حزب از دزدان تصر فرار داد و برای جیبتهای ملی ضد استعمار و هواداران صلح امکان فعالیت آزادانه را به وجود آورد و بوسیله آن حزب در ۲۳ تیر ۱۴۰۰ و ۸ فروردین زمینه سقوط حکومت ملی را فراهم ساخت.

امروز هم مقارن با حمله لغت آلود مناقین و مغالین بنشامت تضاد های این ائتلاف التماس آمیز (که قبول نشد و نخواهد شد) حزب توده را قانونی اعلام کند و سیاست هدیرستی بطور بارزی علیه نهضت ملی جلوه گر میشود.

این خبیثه شب بازی برای مردم کاملا جالب و قابل انتظار است تمام این هاینظر ملت ما که در طول نهضت ملی رشد سیاسی پیدا کرده است تکرار خسته کننده مکررات و زیروبم همان آهنگ آشنا و قدیمی است که از سیاست هدیرستی انگلیس و شوروی در ایران ناشی میشود.

ولی خوب است که رهبران نهضت ملی پیش از این بنش حیله گران کینترم دقت کنند.

اگر فلان بالاپرس در دادگتری و یا بهمان کارمندها لیر تبه در شرکت بیمه با فراغ خاطر علیه نهضت ملی عمل میکنند و بفعالین ملی و بین المللی نهضت خود را تبلیغاتی می دهند ناشی از لیریزم و سیاست توأم با گذشت دولت ملی است و چه بسا که این خربها یا کینترسم کینتری باشد در مقابل گذشت واغنائی بعد رهبران نهضت ملی ما.

دو هر حال حزب توده آزاد با هدبا باشد و با اسما آزاد باشد و لیر رسا آزادی ملش زیاد تر از احزاب ملی باشد نادرستی و ناشایستگی و خیانت این حزب

برای مردم آشکار وهربان است.

ولت مادر مبارزه مشاوی خود با استعمار انگلیس پیش از این با انقلاب مشی این حزب آشنا و مبارزه با روشهای ضد ملی آن نشود نباید و آبدیده شده است. آری آن حزبی که در مبارزه ضد استعماری علیه نهضت ملی با استعمار انگلیس اتحاد ایدئولوژیک داشت و شمار ملی خن نعت دوسراسر کشور را «تر آمریکا» و نهضت ملی مارا با یکجا اجتنای امپریالیزم معرفی میکرد.

آن حزبی که در بحران اقتصادی ناشی از محاصره شرکت سابق خرید اوران قرخه ملی را مثل هیئت حاکمه و سرمایه داران تحریم بنمود و با ایجاد امتصا بایب در پی در بنگاههای اقتصادی وابسته بدولت محاصره اقتصادی شرکت سابق را از خارج مرزهای ایران بداخل حصار کوچکترین کارگاههای تولیدی میکشاند و امتصا بملی را فلج میکند.

آن حزبی که مثل اقلیت لغتی دیروز امروز با اختیارات دکتر منصف راشاه دیکتاتوری در مخالف قانون اساسی می - دادست

و بالاخره حزبی که در گذشته تقاضای امتیازات شال برای روسها کرده و امروز هم با فعالیت روزانه و روزمره خود، با تبلیغات فاسد کننده و پاس آلود خود همان تالیبی را بوجود می آورد که شرکت سابق با آن محتاج است.

در هر حال، چه قانونی و چه قانونی باشد. ببتزه بزرگترین و همه ترین دشمن ملت ما نهضت ملی ما باقی است.

بگذار بالاپرس دادگتری فرار از اسفند ما را در اواخر اردی بهشت از راه دهنو بلار سیاست را پیش بنقل منانین و مغالین نهضت و استعمار انگلیس گرم سازد.

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱